

چراغ اول تلخ کامی سیاسی راتلویزیون روشن کرد

صفحه ۷

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی سیما ایران
صدای نجاران نگاه جوانان

۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان



www.fdn.ir | Sat | 9 Mar

امداد رسانی دولتی و غیردولتی به سیل زدگان جنوب شرق کشور سرعت گرفت

سیل کمک به بلوچستان به روایت آمار



صفحه ۲

رهبر انقلاب در خصوص لزوم تلخ نشدن فضای سیاسی کشور نکات مهمی را بیان کردند

هشدار به ستیزه جویان

دکتر طهرانچی در تبریز درباره رای معنادار آیت الله آل هاشم:

خط بطلان آقای فاصله گرفتن باروحانیت مردمی

از پلنفرم «ست»، نظام موضوعات تراکتورسازی و خط ربانیک مونتاژ تراکتور رونمایی شد

۳ گام بلند صنعتی سازی علم در تبریز

کنسرت ساسی مانکن در عمان با پیگیری ایران لغو شد

ساسی قسر در رفت

نگاهی به علت های ساختاری مشارکت پایین تر از میانگین در تهران

شورای اسلامی حضور خواهند داشت.

معمولا بعد از انتخابات ها کمتر از کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند، صحبت می شود یا اگر هم صحبت می شود ما مساله را صرفا به امر سیاسی تقلیل می دهیم، اما توجه نمی کنیم که ممکن است ساختار انتخاباتی ساختاری غلط باشد. امروز ما در ملاقات های مردمی وقتی با شهروندان صحبت می کنیم یکی از گلایه های آنها این است که ما نمایندگان تهران را نمی شناسیم، نمایندگان تهران در مناطق ما دفتر ندارند، ما امکان مراجعه به نمایندگان تهران را نداریم، در صورتی که شما می دانید و کسانی که با فضای انتخابات آشنا هستند، می دانند در شهرستان ها و در حوزه های کوچک این گونه نیست.

این مساله در مورد شورای اسلامی شهر تهران هم صادق است؛ چراکه این امکان فراهم نیست که شهروندان تهرانی در مناطق ۲۲ گانه هر کدام نماینده خودشان را انتخاب کنند. ما ۲۲ منطقه در تهران داریم و ۲۱ عضو در شورای شهر، چه مشکلی پیش می آید که شهروندان بر اساس جمعیت در مناطق ۲۲ گانه تهران نماینده خودشان را در صحن داشته باشند، چرا باید همه شهروندان تهرانی به ۲۱ عضو برای شورای شهر رأی دهند؟! چرا باید همه شهروندان تهرانی به ۳۰ نفر به عنوان نماینده تهران رأی بدهند؟! آیا اصلا در مدت زمان تبلیغات یک هفته ای امکان شناخت ۳۰ نفر وجود دارد؟!

امیدوارم این حرف هایی که زدم، این یادداشت، فصل جدیدی در مورد انتخاب و بهبود امکان مشارکت در فضای کارشناسی کشور باز کند. امیدواریم این دغدغه ما که دغدغه بخشی از شهروندانی است که در انتخابات شرکت نکردند و دلیل آنها برای عدم مشارکت، سیاسی نبود بلکه عدم شناخت بود، برطرف شود. از منتقدان دعوت می کنم که انتقادهای خود را در این خصوص مطرح کنند و این آمادگی را دارم که با آنها به گفت و گو بنشینیم. از شهروندانی که با وجود رفتار برخی سیاسیون و وجود برخی مشکلات، آرای خود را به صندوق ها انداختند، قدر دانیم و امیدواریم دغدغه های مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در انتخابات های آینده بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

یادداشت
مهدی اقراریان
رئیس کمیته نظارت و حقوقی شورای شهر تهران

یکی از اتفاقاتی که در این دوره بسیار مورد توجه بود، میزان مشارکت شهروندان در انتخابات بوده و همه ما شاهد بودیم که در یک جنگ ترکیبی، در یک عملیات شناختی - روانی پیچیده دو لبه قیچی جریان های خارجی و امتداد آنها در داخل کشور تمام تلاش خود را انجام دادند که میزان مشارکت در انتخابات را کاهش دهند؛ اما با وجود همه این فشارها در بسیاری از استان های کشور شاهد یک مشارکت پر شور و قابل قبول بودیم، با این حال متأسفانه میزان مشارکت در حوزه انتخابیه تهران یک عدد قابل قبولی نبود و پیامد عدم مشارکت بخشی از شهروندان تهرانی نیز منجر به کاهش میانگین در مجموع کشوری شد.

تمام تحلیل های ما در بررسی علل عدم مشارکت شهروندان تهرانی معطوف به امر سیاسی است، اما واقعیت این است که بخشی از عدم مشارکت شهروندان به ساختار ضد مشارکت و ضد عدالت انتخاباتی در حوزه های انتخابی بزرگ مثل حوزه تهران برمی گردد. در اکثر حوزه های انتخابیه مردم بین یک یا دو نفر را انتخاب می کنند اما در تهران همه شهروندان باید ۳۰ نفر را انتخاب کنند، آیا این با عدالت برابری دارد؟! یک شهروند در نقطه ای از کشور حق انتخاب یک نفر را دارد و شهروند دیگری در نقطه ای دیگر از کشور حق انتخاب ۳۰ نفر را دارد. فکر نمی کنیم این ساختار، ساختاری غلط و اشتباه است. اگر ما حوزه های انتخابی بزرگ را بر اساس جمعیت به حوزه های کوچک تقسیم کنیم و اگر شهروندان تهرانی متناسب با منطقه سکونت شان، به جای انتخاب ۳۰ نماینده حق انتخاب یک نماینده را داشته باشند، اگر ما اجازه دهیم شهروندان یک، پردیس، منطقه ۴، منطقه ۵ و سایر مناطق تهران که بعضی از این مناطق از یک استان بزرگ تر هستند نامزد ها و منتخبان خودشان را انتخاب کنند، اتفاقی که می افتد این است که میزان مشارکت بالا خواهد رفت. اگر امکان انتخاب یک نامزد برای هر شهروند در حوزه انتخابی تهران فراهم شود سلاقی مختلف و علایق گوناگون در مجلس

و ورزشکاران تا دانشگاهیان و روشنفکران و به طور کلی طبقه متوسط به روایت مظلومیت جهانی فلسطینی ها باور کامل آورده اند. همزمان استاندارد دوگانه دولت های غربی، به ویژه دولت آمریکا، در حمایت همه جانبه از رژیم اسرائیل در جنگ غزه بر ضدیت های فکری مردم ایران نسبت به غرب افزوده است. به واقع، جنگ غزه سبب شد تا مساله مظلومیت مردم فلسطین بار دیگر در اذهان مردم ایران زنده و احیا شود. جنگ غزه دو تاثیر مهم دیگر هم در حوزه سیاست داخلی ایران داشت. نخست، آگاهی بیشتر مردم ایران بر اهمیت تقویت قدرت «بازداندگی» ایران در مواجهه با تهدیدات نظامی احتمالی آمریکا و اسرائیل است. این بازدارندگی ترکیبی از طریق توسعه برنامه پیشرفته موشکی و همچنین تقویت شبکه اتصالاتی نیروهای سیاسی - نظامی طرفدار ایران در منطقه است که رژیم اسرائیل و آمریکا را تحت فشار گذاشتند تا مانع از گسترش بحران به سراسر منطقه و به ویژه جنگ آمریکا با ایران شوند. به واقع، زمانی که غرب به شدت مشغول اعمال تحریم های سخت علیه ایران بود تا بنیة اقتصادی کشور را تضعیف و احتمالا با یک حمله نظامی کار را به خیال خود تمام کند، کشورمان بر قوه بازدارندگی تدافعی و تهاجمی خود می افزود تا در شرایط بروز بحران های امنیتی، همچون امروز، قادر به دفاع کارآمد از خود باشد.

دوم، نقش هوشمندانه رهبر انقلاب در کاهش تنش و محدود نگه داشتن جنگ در حوزه بحران غزه است. با این سیاست از یک سو، ایران سعی کرده تا از ظرفیت های منطقه ای خود برای جلوگیری از گسترش جنگ استفاده کند و از سوی دیگر، از پویایی های ناشی از تضعیف قوه بازدارندگی اسرائیل به عنوان یک فرصت برای تقویت جایگاه منطقه ای بهره ببرد. برخلاف دیدگاه غالب، تلاش ایران برای پایان دادن سریع تر به جنگ غزه الزاما به دلیل نیتش در تله احتمالی رژیم نتانیاهو در کشاندن ایران و آمریکا به یک جنگ مستقیم نیست. منطق استراتژیک ایران این است که تقلیل جنگ غزه به دخالت عنصر ایرانی، روایت مظلومیت فلسطینی ها در نزد افکار عمومی ایران و جهان عرب را به نفع رژیم اسرائیل به چالش می کشد.

دوگانه آمریکا و غرب در حمایت از رژیم اسرائیل (و مقایسه آن با نوع عملکرد غرب در جنگ اوکراین)، نگاه افکار عمومی ایران را نسبت به سیاست های به اصطلاح حقوق بشری، دموکراسی خواهانه، و صلح طلبانه غرب کاملا تغییر داده است.

بعضی از تحلیلگران و تاریخ دانان غربی و حتی ایرانی به اشتباه اعتقاد دارند که بخشی از افکار عمومی ایران طرفدار آمریکا و غرب هستند. اما واقعیت این است که جریان افکار عمومی ایران در یک برهه زمانی نزدیکی به غرب را صرفا در قالب رفع تحریم های ظالمانه و بهبود وضعیت اقتصادی کشور و همچنین پرهیز از منازعه احتمالی با آمریکا و به تبع آن ناامنی و بی ثباتی برای ایران در نظر می گرفتند. این تصویرسازی که البته اکنون تغییر کرده، کاملا بر مبنای تأمین «منافع» و نه طرفداری از اصول و ارزش های غربی استوار بود. اکنون مردم ایران به این باور رسیده اند که غرب تنها به فکر حفظ اصول و ارزش ها و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود است و اینکه حاکمیت سیاسی ایران حق داشت که به غرب اعتماد نکند. بعضی دیگر از تحلیلگران معتقدند که دشمنی ایران با اسرائیل، برخلاف افکار عمومی جهان عرب، در نزد افکار عمومی ایران نهادینه شده نیست. اما واقعیت این است که اقدامات رژیم صهیونیستی در یک دهه گذشته همچون فشار برای اعمال تحریم های فلج کننده، امنیتی سازی برنامه هسته ای ایران، به بهانه شهادت رساندن دانشمندان هسته ای، خرابکاری در صنعت هسته ای و زیرساخت های اقتصادی ایران (از جمله خرابکاری های اخیر در خطوط سراسری لوله گاز ایران) و... جایگاه اسرائیل را در نزد افکار عمومی ایران شدیداً تنزل داده و حتی به مرز دشمنی رسانده است.

با شیوع جنگ غزه و تحولات اسفبار انسانی بعد از آن، روایت مظلومیت جهانی اسرائیل و مبارزه به اصطلاح دائم آن برای دفع شر و افراط گرایی عرب برای نابودی قوم یهود با هدف جلوگیری از ورود سایرین به حریم سیاسی - امنیتی اسرائیل، در نزد افکار عمومی ایران به چالش جدی کشیده شده است. به جای آن عموم ایرانیان از هنرمندان

یادداشت
دکتر کیهان بزرگ
استاد روابط بین الملل

جنگ غزه و حمله بی تناسب اسرائیل به جمعیت بی پناه فلسطین که منجر به قتل عام گسترده مردم به ویژه زنان و کودکان شده، روایت مظلومیت جهانی مردم فلسطین را در نزد افکار عمومی ایران نهادینه کرده است. همچنین این جنگ تصویری منفی از آمریکا و غرب در به کارگیری استاندارد دوگانه با مسائل حقوق بین الملل، حقوق بشر و مواجهه با بحران های منطقه ای در نزد مردم ایران پدید آورده است. نگاه به موضوع منازعه فلسطین و اسرائیل در افکار عمومی ایران دو جنبه ای است: از یک سو، موضوع مظلومیت و نادیده گرفتن حقوق فلسطینی ها به طور سنتی موجب خشم طبقه متوسط و قشر دانشگاهی و روشنفکری ایران از وجود بی عدالتی در سیاست جهانی غرب محور شده است. از سوی دیگر، حمایت کامل جمهوری اسلامی ایران از موضوع فلسطین در شرایط سخت تحریم ها، این تصور را برای مردم عادی به همراه داشته که دولت کشورمان بیش از اندازه به مساله فلسطین متعهد شده و این به ضرر منافع و امنیت ملی ایران است. البته این نگاه دوم، تحت تاثیر روایت سازی جریان اصلی رسانه های غربی و رسانه های ماهواره ای فارسی زبان ضد حکومت ایران در سال های اخیر تشدید شده است.

افکار عمومی ایران مسائل سیاست خارجی را عمدتاً با عینک تاثیرگذاری آنها بر وضعیت اقتصادی داخلی و همچنین درجه تاثیرگذاری بر بی ثباتی و ناامنی کشور می بینند. به عنوان نمونه، عموم مردم به این امید طرفدار به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته ای با قدرت های بزرگ بودند که منجر به رفع تحریم های اقتصادی و در نتیجه بهبود زندگی روزمره و پرهیز از جنگ احتمالی با آمریکا می شود. اما وقتی آمریکا از برجام خارج شد و اروپایی ها قادر به انجام تعهدات خود در چهارچوب توافق هسته ای بدون حضور آمریکا نشدند، ماهیت نگاه افکار عمومی نسبت به اصول و اهداف واقعی غرب منفی و توأم با بی اعتمادی شده است. در همین راستا، جنگ غزه و استانداردهای

انا لله و انا الیه راجعون
آقای سید مهدی علوی
معاون فرهنگی باشگاه استقلال
مصیبت وارده ز تسلیت گفته. از درگاه خداوند منان برای آن عزیز سفر کرده، رحمت و غفران الهی و برای شما و بازماندگان صبر و شکیبایی مسالت می نمایم.
روزنامه فرهیختگان

روایت سال های جنگ
مضمون
| فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد |
رادیو مضمون، کاری از گروه پاد کست های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان